



شیوا غلامیان
کارگردان فیلم کوتاه
«پایان این جهان»

تأثیر مستقیم بر رفتارشان در آینده دارد.

انتخاب بازیگران چگونه انجام شد و تیم بازیگران چند نفره است؟

اتفاقات یک روز فیلم با بچه‌ها، در روستایی خارج از تهران، رخ می‌دهد. پس از آن، کل فیلم در قطار جریان دارد، جایی که معلم سفر می‌کند و می‌خواهد با مسافران قطار صحبت کند. این قطار به نوعی نماد جهان است و مسافران این قطار به نوعی ما انسان‌ها هستیم و حال معلم یا در واقع قهرمان، تلاش می‌کند همه را بیدار کند تا نسبت به یکدیگر بی‌تفاوت نباشیم، اما در ظاهر کسی بیدار نمی‌شود. با این حال، فیلم بر خلاف نامش در نهایت امیدوار است و نشان می‌دهد که هنوز دنیا به آخر خط نرسیده و امید وجود دارد. انتخاب بازیگران حقیقتاً بسیار دشوار بود. ما ده کودک بین پنج تا ده سال داشتیم و من می‌خواستم چهره‌هایی که متناسب زیست در روستا باشد را پیدا کنیم. پس از تست گرفتن از بسیاری از کودکان، ده نفر انتخاب شدند که اکثراً پیش از این تجربه بازیگری داشتند. اما برای یکی از بچه‌ها که نقش برجسته‌ای داشت سعی کردیم بچه‌ای بدون پیشینه تصویری انتخاب کنیم که چهره‌اش بکر مانده باشد و خوشبختانه کسری این ویژگی را داشت و خیلی خوب در کار نشست. بازیگر اصلی و نقش معلم، آقای احسان منصوری هستند که پیش‌تر در سینما و تئاتر فعالیت داشته و از دوستان قدیمی من در پروژه‌های قبلی بوده‌اند. همچنین، آقای مجید جعفری که دکترای هنر دارند برای نقش پیرمرد بسیار مناسب بودند.

فیلمسازی را چگونه آغاز کردید و چرا مدیوم فیلم کوتاه؟

من از کودکی به فیلم‌سازی علاقه‌مند بودم چرا که جادوی تلویزیون و تصویر فرصتی برای تجربه دنیایی متفاوت به من می‌داد. تحصیلاتم در سینما، هم در دوره کارشناسی و هم در دوره کارشناسی ارشد، در رشته کارگردانی بوده است و از همان زمان شروع به ساخت فیلم‌های دانشجویی و کوتاه کردم. فیلم کوتاه مسیر اولیه‌ای برای رسیدن به سینمای حرفه‌ای است و فرصتی برای محک زدن خود و معرفی به جامعه سینمایی فراهم می‌کند. همچنین، فیلم کوتاه آزادی هنری بیشتری به فیلم‌ساز می‌دهد، چرا که توقعات کمتری نسبت به رعایت برخی مناسبات وجود دارد و امکان تجربه و ساخت کارهای تجربی فراهم می‌شود.

با توجه به اینکه تهیه‌کنندگی کار با خودتان بوده، آیا ترجیح نمی‌دادید که حمایتی وجود داشته باشد؟

قطعاً همینطور است. آخرین فیلمی که من ساختم، سال ۱۳۹۶ بود و این فیلم در ۱۴۰۴ ساخته شده است. در این سال‌ها اگر فضایی برای حمایت وجود داشت، قطعاً فیلم‌های بیشتری می‌ساختم و تجربه بیشتری کسب می‌کردم، اما متأسفانه این فرصت فراهم نبود. از طرفی اگر بخواهید با افراد یا شرکت‌های خصوصی به عنوان تهیه‌کننده کار کنید، چالش‌هایی وجود دارد و همکاری با ارگان‌های دولتی نیز خود دشواری‌های خاص خود را دارد. من در ابتدا برای این پروژه سرمایه‌گذار داشتم، اما ایشان متأسفانه در فیلمنامه دخالت می‌کردند به همین علت در نهایت تصمیم گرفتم که فیلم را خودم بسازم.

این کار بسیار سخت بود و من تمام پس‌انداز سال‌های فعالیتیم به عنوان تدوین‌گر شرکت ایران نوین را صرف ساخت این فیلم کردم. قطعاً اگر سرمایه‌گذاری داشتم یا ارگانی بود که حمایت می‌کرد، زودتر این فیلم را می‌ساختم. تولید این فیلم بسیار دشوار بود؛ یافتن یک قطار مناسب و بازسازی کامل قطار مورد استفاده در فیلم هزینه‌بر و چالش‌برانگیز بود. من قصد داشتم قطاری متفاوت بسازم تا جهان قصه‌آنگونه که می‌خواهم شکل بگیرد، بنابراین دیوارها، پرده‌ها و تمام اجزای قطار را تغییر دادیم. همینطور هماهنگی شرایط فیلم‌برداری با ده کودک و خانواده‌هایشان در خارج از تهران، در محیط کوهستانی و برفی نیز دشواری خاص خود را داشت اما در نهایت به همراه دوستانم، فیلم را ساختیم و با وجود سختی‌ها، کار به نتیجه رسید.

بی توجهی می‌تواند دنیای ما را خشن‌تر کند

شیوا غلامیان که پیشتر با فیلم کوتاه «چهره غمگین من» در جشنواره فیلم کوتاه تهران حضور داشت اینبار با «پایان این جهان» در بخش داستانی حضور یافته است.

ایده «پایان این جهان» چگونه شکل گرفت و به چه موضوعی می‌پردازد؟

«پایان این جهان» در واقع دغدغه‌ی شخصی من بود چرا که همیشه موضوع بچه‌هایی که در ایستگاه قطار برای مسافران دست تکان می‌دهند، ذهنم را مشغول می‌کرد و دوست داشتم درباره آن فیلمی بسازم. با این حال، داستان کامل و تبدیل به فیلمنامه نمی‌شد، در نهایت خیلی اتفاقی یک داستان کوتاه خواندم و گویی کاراکتری به قصه من اضافه شد که آن را کامل و تبدیل به یک فیلم‌نامه کرد. وقتی فیلمنامه تمام شد، آن قدر دوستش داشتم که از اساتید و دوستانم خواستم تا بخوانند و خوشبختانه همه تحت تأثیر قرار گرفتند. با وجود دشواری‌های تولید این اثر، تصمیم گرفتم با هر رنجی که هست این فیلم را بسازم.

ژانر فیلم «پایان این جهان» چیست؟

می‌توان گفت فیلم در ژانر کودک است، اما اساساً صحبت فیلم رو به بزرگسالان و در نهایت تمام جهان است، اینکه اهمیت ندادن به کوچک‌ترین خواسته‌های انسان‌ها، حتی چیزی ساده مانند دست تکان دادن برای بچه‌ها، می‌تواند جهان را خشن‌تر کند. در یکی از دیالوگ‌های فیلم، معلم بچه‌ها به پیرمردی می‌گوید: هیچ‌یک از مسافران قطار راضی نمی‌شوند برای این بچه‌ها دست تکان بدهند. این فاجعه نیست، این آخر دنیاست! شاید این مسئله ساده‌ای به نظر می‌رسد، اما واقعیت این است که وقتی به کودکان اهمیت داده نمی‌شود، آن‌ها کم‌کم امید و حس ارزشمندی خود را از دست می‌دهند و این مسئله

گفت‌وگویی
صبا با
سه کارگردان حاضر
در جشنواره فیلم
کوتاه

**روایت‌هایی
از امید، هویت
و احیای انسان**

در چهل و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران، سه فیلم‌ساز با جهان بینی متفاوت اما دغدغه‌ای مشترک از انسان و زیست اجتماعی او سخن گفته‌اند. شیوا غلامیان در «پایان این جهان» از خطر بی‌توجهی و فراموشی مهربانی می‌گوید، مجید عیدان در «پلاک ۱۳۵۱» نخل‌های سوخته جنوب را نماد احیای امید می‌داند، و مهر داد جلالی در «نار» پیوند عشق، ایمان و استعمار زندگی را در قالب رابطه‌ای خانوادگی به تصویر می‌کشد. گفت‌وگویی خبرنگار «صبا» با این سه کارگردان، تصویری روشن از چگونگی شکل‌گیری آثارشان و چالش‌های فیلم‌سازی در ایران امروز ارائه می‌دهد.

مریم عظیمی
گفت‌وگو

